

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی

نشانی دفتر توزیع: خیابان امام خمینی (ره) – کلاترک کوچه -

کوچه ششم پلاک ۶۱ – طبقه اول

تلفن: ۳۳۳۵۲۷۷۴ (۰۴۱) و ۳۳۳۵۲۷۷۹ (۰۴۱)

تلفنکس: ۳۳۳۵۲۷۵۱ (۰۴۱)

آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com

نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر

روبروی ساختمان پست - پلاک ۸۵۱ طبقه سوم - واحد ۶

تلفن: ۶۶۴۹۴۳۱۸ (۰۲۱) و ۶۶۴۹۴۳۹۱ (۰۲۱)

چاپ: چاپ سبز

یکشنبه ۲ آذر ۱۴۰۴ / ۲ جمادی الثانی ۱۴۴۷ هـ. ق / 23 November 2025 / شماره ۷۱۲۲ / سال بیستم و هشتم

عملکرد کاروان ورزش ایران در ریاض، نقشه راه بازی‌های آسیایی



بررسی عملکرد کاروان ورزش ایران در بازی‌های کشورهای اسلامی می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای موفقیت در بازی‌های آسیایی ناگوا باشد. کاروان ایران در ششمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض با کسب ۸۱ مدال شامل ۲۹ طلا، ۱۹ نقره و ۳۳ برنز توانست عملکرد قابل قبولی داشته باشد و در جدول توزیع مدال‌ها رتبه سوم را کسب کند. این موفقیت در شرایطی رقم خورد که تعداد رویدادها و فرصت‌های مدال‌آوری نسبت به دوره پیشین در قونیه کاهش یافته بود، اما ایران توانست سهم قابل توجهی از مدال‌های طلا را به خود اختصاص دهد. کسب ۲۹ مدال طلا در شرایط کاهش تعداد مدال‌ها در این دوره از رقابت‌ها نشان‌دهنده در حفظ

نتایج ریاض می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راه مقدماتی برای بازی‌های آسیایی عمل کند. مدیران ورزش کشور باید از این تجربه برای تثبیت نقاط قوت و بررسی نقاط ضعف بهره ببرند. طراحی اردوهای تخصصی و برنامه‌ریزی برای بازی‌های آسیایی ناگویا می‌تواند بر پایه دستاوردهای ریاض انجام شود.

مدال تیم ملی هندبال زنان و همینطور بانوان تنیس روی میز ایران امیدواری‌های زیادی را در خصوص مدال‌آوری در رشته‌های تیمی بانوان به وجود آورده است؛ اما نباید اینگونه تلقی شود که این تیم می‌تواند در بازی‌های آسیایی هم موفق به کسب مدال شود؛ چرا که سطح رقابت‌های بازی‌های آسیایی به مراتب بالاتر از بازی‌های کشورهای اسلامی است. در جمع‌بندی، عملکرد ایران در بازی‌های کشورهای اسلامی در ریاض با کسب ۲۹ طلا و مجموعاً ۸۱ مدال امیدوارکننده بوده است. این نتایج علاوه بر موفقیت، فرصتی برای ارزیابی فنی و راهبردی محسوب می‌شود. ایران در رشته‌های ستنی همچنان قدرتمند است، اما برای جهش در بازی‌های آسیایی نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت در پیشرفت ورزش‌های تیمی و حمایت جدی‌تر از ورزش بانوان است.

ضمن اینکه برای پیشرفت ورزش ایران، از این پس بازی‌های کشورهای اسلامی باید به محلی برای شناسایی نقاط قوت و ضعف در رشته‌های مختلف تبدیل شود و نباید تنها رویدادی تلقی شود که هدف از شرکت در آن، کسب مدال باشد.

باید پای ریسک جوانگرایی بایستیم در بازیهای آسیایی هم طلای مجموع نداریم



رئیس فدراسیون وزنه‌برداری با بیان این که در بازیهای آسیایی هم مدال طلای مجموع را نخواهیم داشت گفت: تغییر نسل در وزنه‌برداری در حال نتیجه دادن است و باید پای این ریسک بایستیم. سجاد انوشیروانی در گفت‌وگویی درباره عملکرد تیم ملی وزنه‌برداری ایران در ششمین دوره بازی‌های کشورهای اسلامی ریاض گفت: وزنه‌برداری ایران با برنامه و چشم‌انداز آینده به خوبی از پتانسیل همیشگی خود را از دست داده بود و ما وزنه‌برداری را که مدعی کسب سه سهمیه المپیک بودند، در اختیار نداشتیم. او گفت: با یک اشتباه رضا دهندار یک سهمیه المپیک پاریس را از دست دادیم. پیش از المپیک تصمیم گرفتیم نسل جدید بسازیم و روی جوانان ۱۶ و ۱۷ ساله سرمایه‌گذاری کنیم. کار پرریسکی بود، اما آن را پذیرفتیم تا بتوانیم المپیک لس‌آنجلس را حفظ کنیم. وی گفت: در بازی‌های کشورهای اسلامی ریاض هم نگرانی اعزام شدند که پیش از آن به بازی‌های آسیایی بحرین رفته بودند. تیم را پشت‌سرهم به دو مسابقه اعزام کردیم تا وزنه‌برداران تجربه بیشتری کسب کنند و میدان‌های بزرگ را ببینند. خوشبختانه نتیجه خوبی گرفتند و ما را امیدوار کردند. با روند پیشرفت بانوان در این دو مسابقه، قطعاً در ناگویا اتفاقات بزرگی رقم خواهد خورد و می‌توانیم به مدال‌آوری آن‌ها امیدوار باشیم.

او افزود: از روزی که وارد فدراسیون شدم، با هدف تغییر نسل در بخش مردان کار را آغاز کردم تا در المپیک لس‌آنجلس با قدرت ظاهر شوم. در این میان اتفاقات سختی برای وزنه‌برداری رخ داده است. IOC فشار زیادی روی این رشته گذاشته؛ تغییر مکرر دسته‌های وزنی و محدود شدن سهمیه‌ها باعث شده حدود ۵۰ درصد سهمیه‌ها را از دست بدهیم. تیمی که به‌راحتی با شش وزنه‌بردار مرد در المپیک شرکت می‌کرد، اکنون تنها با سه نفر حضور خواهد داشت. در بخش بانوان هم همین محدودیت‌ها وجود دارد. یعنی به‌جای ۱۲ سهمیه، باید برای شش سهمیه رقابت کنیم که سه نفر از آن‌ها بانوان هستند. این محدودیت‌ها کار را دشوار کرده است.

رئیس فدراسیون گفت: در گذشته می‌توانستیم در هر وزن دو وزنه‌بردار اعزام کنیم، اما امروز این امکان

مواتماعه اخلاقی روزنامه نگاران روزنامه امین در سایت روزنامه



ذکر روز یکشنبه

یا ذالجلال والاکرام
ای صاحب شکوه و بزرگواری

درگذشت غلامحسین ساعدی، نویسنده، پژوهشگر و روان پزشک (۱۳۶۴ش)

درگذشت سلیم موذن زاده مداح نامدار اردبیلی (۱۳۹۵ ش)

تصویب تشکیل کشور فلسطین از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۷۴م)

آمرک "آندره مالرو" نویسنده سیاسی و معروف فرانسوی (۱۹۷۶م)

قرار گرفتن پرچم ایران برای نخستین بار بر فراز قطب شمال (۱۹۵۱م)

آیا تعیین جنسیت جنین از طریق انجام عمل IVF و مانند آن اشکال دارد؟

تعیین جنسیت به خودی خود اشکال ندارد؛ ولی باید از مقدمات حرام (مثل نگاه و لمس حرام) اجتناب شود.

امام صادق علیه السلام

فَإِنَّهُ يَلِيقُ الْأَبْدَانُ وَ يَجْلُو كِدْرُ الْهَوَاءِ فَيَرْتَفِعُ الْوَبَاءُ الْحَادِثُ مِنْ ذَلِكَ؛

بارش باران بدن‌ها را لطیف می‌کند و آلودگی را از هوای می‌زداید و وبای پدیدآمده از آن را از بین می‌برد.

ساغر

فصل پنجم قسمت بیست و یکم سعیده پیرایش

و پدر و مادرش و رهگذری غریبه در خیابان دعوا کرده بود. گوشی را در جیب گذاشت و دستش را میان موهای پریشاناش کشید. شاید این اولین باری بود که با این سر و وضع از خانه بیرون زده بود. با خود گفت: حتما شنیده من نامزد کردم فکر کرده دیگه راحت شده از دستم. اگه مجبورم کنی نامزدیم به هم می‌زنم... اگه به لحظه بیاد بیرون می‌تونم دوباره قانعش کنم.

نگاهی به تلفن خودش انداخت و نفسی از سر راحتی کشید. فراموش کرده بود که شماره شهاب را مسدود کرده. نگاهی دوباره به سر و صورت خودش انداخت و روسری و چادر ابریشمی سفیدش را کنار دستش گذاشت تا به محض ورود هم‌مانها سرش کند.

صدای مادرش از پذیرایی به گوش رسید: سودابه؟ چایی آماده س؟ آلاں مهمونا می رسن ها. – به مامان همه چیز آماده س. نگران نباش.

لیختندی از رضایت روی لبان ساغر نشست. خودش را با آن لبخند برانداز کرد و آن را پسندید. ولی بیرون از خانه، شهاب دست بردار نبود. در هوای گرگ و میش عصر پاییزی زیر درخت سرو ایستاده بود مشتش را روی تنه ی درخت گذاشته بود و به در خانه ی پدری ساغر چشم دوخته بود. از عصبانیت نفس نفس می زد. گوشی را در دست دیگرس می فشرد. زیر پایش برگ های نمناک پاییزی افتاده بودند. نگاهی به آنها انداخت و با تنفر چندتایی را له کرد.

پدر ساغر خیلی سفت و سخت روبرویش ایستاده بود و ساغر هم به هیچ وجه به تلفنش جواب نمی داد.

تازه همین امروز ماجرای بله برون را شنیده بود و تمام این مدت نمی دانست که ساغر در تدارک ازدواج است.

از وقتی این خبر به گوشش رسیده بود با نامزدش

...

نور لامپ داخل اتاق روی صورت ساغر افتاده بود. جلوی آینه نشسته بود لوازم آرایش را یکی پس از دیگری برمی داشت و استفاده می کرد. مواظب بود که آرایشش بیش از اندازه نشود. به یک باره صدای پدرش بلند شد که جدی و خشمگین داد می زد: لازم نکرده. دیگه طرف دختر من آفتابی نمیشی. امروز بله برون ساغره. از این به بعد شوهر داره. تو هم دست از سرش بردار.

نگاهی به تلفن خودش انداخت و نفسی از سر راحتی کشید. فراموش کرده بود که شماره شهاب را مسدود کرده. نگاهی دوباره به سر و صورت خودش انداخت و روسری و چادر ابریشمی سفیدش را کنار دستش گذاشت تا به محض ورود هم‌مانها سرش کند.

صدای مادرش از پذیرایی به گوش رسید: سودابه؟ چایی آماده س؟ آلاں مهمونا می رسن ها.

– به مامان همه چیز آماده س. نگران نباش.

لیختندی از رضایت روی لبان ساغر نشست.

خودش را با آن لبخند برانداز کرد و آن را پسندید.

ولی بیرون از خانه، شهاب دست بردار نبود. در هوای گرگ و میش عصر پاییزی زیر درخت سرو ایستاده بود مشتش را روی تنه ی درخت گذاشته بود و به در خانه ی پدری ساغر چشم دوخته بود.

از عصبانیت نفس نفس می زد. گوشی را در دست دیگرس می فشرد. زیر پایش برگ های نمناک پاییزی افتاده بودند. نگاهی به آنها انداخت و با تنفر چندتایی را له کرد.

پدر ساغر خیلی سفت و سخت روبرویش ایستاده بود و ساغر هم به هیچ وجه به تلفنش جواب نمی داد.

تازه همین امروز ماجرای بله برون را شنیده بود و تمام این مدت نمی دانست که ساغر در تدارک ازدواج است.

از وقتی این خبر به گوشش رسیده بود با نامزدش

...

نور لامپ داخل اتاق روی صورت ساغر افتاده بود. جلوی آینه نشسته بود لوازم آرایش را یکی پس از دیگری برمی داشت و استفاده می کرد. مواظب بود که آرایشش بیش از اندازه نشود. به یک باره صدای پدرش بلند شد که جدی و خشمگین داد می زد: لازم نکرده. دیگه طرف دختر من آفتابی نمیشی. امروز بله برون ساغره. از این به بعد شوهر داره. تو هم دست از سرش بردار.

نگاهی به تلفن خودش انداخت و نفسی از سر راحتی کشید. فراموش کرده بود که شماره شهاب را مسدود کرده. نگاهی دوباره به سر و صورت خودش انداخت و روسری و چادر ابریشمی سفیدش را کنار دستش گذاشت تا به محض ورود هم‌مانها سرش کند.

صدای مادرش از پذیرایی به گوش رسید: سودابه؟ چایی آماده س؟ آلاں مهمونا می رسن ها.

– به مامان همه چیز آماده س. نگران نباش.

لیختندی از رضایت روی لبان ساغر نشست.

خودش را با آن لبخند برانداز کرد و آن را پسندید.

ولی بیرون از خانه، شهاب دست بردار نبود. در هوای گرگ و میش عصر پاییزی زیر درخت سرو ایستاده بود مشتش را روی تنه ی درخت گذاشته بود و به در خانه ی پدری ساغر چشم دوخته بود.

از عصبانیت نفس نفس می زد. گوشی را در دست دیگرس می فشرد. زیر پایش برگ های نمناک پاییزی افتاده بودند. نگاهی به آنها انداخت و با تنفر چندتایی را له کرد.

پدر ساغر خیلی سفت و سخت روبرویش ایستاده بود و ساغر هم به هیچ وجه به تلفنش جواب نمی داد.

تازه همین امروز ماجرای بله برون را شنیده بود و تمام این مدت نمی دانست که ساغر در تدارک ازدواج است.

از وقتی این خبر به گوشش رسیده بود با نامزدش

...

نور لامپ داخل اتاق روی صورت ساغر افتاده بود. جلوی آینه نشسته بود لوازم آرایش را یکی پس از دیگری برمی داشت و استفاده می کرد. مواظب بود که آرایشش بیش از اندازه نشود. به یک باره صدای پدرش بلند شد که جدی و خشمگین داد می زد: لازم نکرده. دیگه طرف دختر من آفتابی نمیشی. امروز بله برون ساغره. از این به بعد شوهر داره. تو هم دست از سرش بردار.



در دقیقه ۸۹ داور یک ضربه پنالتی برای میزبان اعلام کرد؛ تصمیمی که واکنش گسترده‌ای در پی داشت و بازی را به تساوی کشاند. در وقت اضافه نیز پادیاپ گل دوم را دریافت کرد و در نهایت با شکست ۲-۱ از جام حذفی کنار رفت. با وجود نتیجه نهایی، نمایش شجاعانه و فراتر از انتظار پادیاپ خلخال در تهران در یاد هواداران ورزش آذربایجان ماندگار خواهد ماند؛ اما در کنار این نمایش، دوروی جنجالی مهم‌ترین سوزۀ دیدار بود که بدون شک مدت‌ها مورد بحث خواهد بود.

استقلال تا دقایق پایانی راه به جایی نبرد تا اینکه